

دیپلماسی پیشرفت



رژه تراکتورهای ایرانی در بولیوی

در ایام سفارت در ونزوئلا مطلع شدم آقای مورالس به همراه وزیر خارجه اش آقای داوود چکوانکا، قصد دارند به ونزوئلا بیایند. مورالس رئیس جمهور بولیوی بود. از طریق ونزوئلایی ها و خود بولیوی، از او وقت ملاقات گرفتم. در هتل محل اقامت به دیدارشان رفتم. ایشان رئیس اتحادیه کشاورزی هم بودند. به این نتیجه رسیدیم که باید محور صحبت هایم مسائل کشاورزی و تراکتور باشد. در مورد مسائل سیاسی صحبت کردیم. گفتیم ما در ونزوئلا کارخانه تراکتور احداث کردیم و علاقه مند هستیم تعدادی تراکتور هم به بولیوی صادر کنیم. قیمت این تراکتور هرچه باشد، به شما تخفیف خواهیم داد. اجازه

تخفیف را از قبل گرفته بودم. قیمت تراکتور در ونزوئلا خیلی بیشتر از ایران بود. گفتیم می شود به قیمت ایران به بولیوی بفروشیم یا به آن ها وام دهیم. برای ایشان هم جالب بود، به او گفتم همانند نظامی ها رژه تراکتور بگذارید و بگویید این کار، جنگ علیه فقر و گرسنگی است و این ها تانک های من است. از این ایده بسیار استقبال کردند. گفتند پنجاه تا از این تراکتورها را می خواهیم و هزینه را هم خودمان پرداخت می کنیم. می خواهم یک روز انقلاب کشاورزی اعلام کنم و برای این کار تراکتورها را لازم دارم. گفتیم چشم، در خدمت هستیم. دو روز بعد، سفیر ونزوئلا در بولیوی با بنده تماس گرفت و گفت به دستور چاوز یک هواپیمای اختصاصی برای رفتن به بولیوی گرفتیم، باید قرارداد با مورالس را قطعی کنید. سوار هواپیمای اختصاصی شدیم. ما را در ریاست جمهوری پذیرفت و در منزلش پذیرفت. بعد در مورد تراکتور توضیح دادم. گفتند پنجاه تراکتور را سریعاً برای ما ارسال کنید، هر قراردادی لازم باشد امضا می کنیم. گفتند فلان تاریخ را انقلاب کشاورزی اعلام کردم، در این تاریخ باید رژه تراکتور



”

گفتم همانند نظامی ها رژه تراکتور بگذارید و بگویید این کار، جنگ علیه فقر و گرسنگی است